

حاشیه‌نشینی چالش جدی در مقابل توسعه پایدار

محسن توده رنجبر^۱، فاطمه عراقی^۲

^۱ کارشناس آسیب شناسی اجتماعی و دکتری پژوهشگری علوم اجتماعی.

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

نام نویسنده مسئول:

محسن توده رنجبر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده

حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی، کوخ‌نشینی، کپرنشینی، جملگی مترادف یکدیگر هستند. و به محله‌های مسکونی غیرمتعارف و متداول شهری گفته می‌شوند. در واقع بخشی از شهر که در آن ویرانی یا نارسایی عرصه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحد‌های مسکونی، فقدان آسایش لازم می‌تواند به عنوان منطقه زاغه‌نشین معرفی شود. معمولاً حاشیه‌نشینی در شهرهایی که پذیرای جمعیت اضافی در بافت اصلی خود نیستند رشد می‌کند و عده کثیری از مهاجرین با سکونت در زاغه‌های اطراف شهر به کارهای غیرتولیدی کشانده می‌شوند. پیامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران، پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد محله‌های حاشیه‌نشین با بافت نابسامان و مسکن نابهنجار است که ساکنان آن معمولاً مهاجران روستایی یا قشرهای کم درآمد شهری هستند که به مشاغل کاذب و حاشیه‌ای می‌پردازند. حاشیه‌نشینی فضایی، مولود حاشیه‌نشینی اقتصادی - اجتماعی آن بخش از جمعیت است که ساکن این محله‌ها می‌باشند. آنها از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات به هیچ وجه راضی نیستند. با توجه به گسترش فقر و بیکاری حاشیه‌نشینان بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی اند، آنان مسائل و مشکلات زیادی دارند که لازم است مسئولان در رفع و حل این مشکلات اقدامات جدی نمایند و به خواسته‌ها و نیازهای ساکنان این مناطق، به عنوان شهروند توجه نمایند. زیرا، فقر فرهنگی و مشکلات مالی ساکنان این مناطق و در حاشیه بودن آنها از یک سو و دیدن زندگی شهرنشینانی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی عمیق در بین این بخش از قشرهای جامعه می‌شود و این امر گاه می‌تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوبهای اجتماعی عمل کند. زیرا تداوم فقر و فلاکت بینوایان بدون واکنش سیاسی نخواهد بود و خشونت‌های جنایت‌آمیز را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی، کوخ‌نشینی، کپرنشینی.

مقدمه

انقلاب صنعتی سبب هجوم مهاجران و تازه واردان به نقاط شهری و پیشی گرفتن رشد سکنه نقاط شهری بر رشد امکانات و فرصت‌ها و در نتیجه به انفجار شهری در جهان منجر شد و بخش از این جمعیت شهری نتوانستند استاندارد های لازم برای یک زندگی شهری را تامین کنند. این گروه با هجوم به حومه‌ها زمینه گسترش حاشیه نشینی را فراهم کردند و آن را به معضلی برای همه شهرهای جهان تبدیل کردند. بر اساس آمار اسکان بشر سازمان ملل متحد (هابیتت) حدود یک میلیارد از ساکنان شهری در حاشیه و زاغه زندگی می‌کنند (Habitat, 2009؛ Martinez, et al, 2008، نقدی، ۱۳۸۶) و پیش بینی کرد که تا سال ۲۰۳۰، حدود ۲ میلیارد نفر از ساکنان زمین حاشیه نشین باشند (UNDP, 2009) که این روند و مسائل نشأت گرفته از آن سبب عطف توجه ویژه در سطح بین المللی به این معضل شده است. حاشیه نشینی از تحولات جمعیتی متأثر است که سرعت این تحولات در کشورهای کمتر توسعه یافته بسیار شتابان است: رشد شهری در کشورهای در حال توسعه با افزایش تعداد سکنه ساکن در نقاطی همراه بوده است که بدون وضعیت استاندارد و در حاشیه‌ها زندگی می‌کنند. (Nuri and Chowdhury, 2011) و در یک بیان کلی به اعتقاد برخی محققان این شیوه زیست با چهار ویژگی کلی شناسایی می‌شود: حاشیه‌ها در کشورهای در حال توسعه با چهار صفت: تملک غیر رسمی یا غیر قانونی زمین، کمبود یا پایین بودن خدمات شهری مانند آب آشامیدنی، شبکه فاضلاب و برق و عناصر زیرساختی دیگر، خانه‌های محقر و بدون استاندارد با مواد و مصالح کم دوام یا بی دوام و در نهایت اوضاع بد محله شناخته می‌شوند (Gulyani and Talukd, 2011).

مسئله حاشیه‌ها و حاشیه نشینان

یکی از پدیده های همزاد شهرنشینی شتابان، رشد و گسترش حاشیه نشینی بوده است که به صورت قارچ‌گونه در اطراف شهرهای بزرگ تکثیر یافته است (غلامی و کشاورز، ۱۴۰۱). هرچند پرداختن به حاشیه نشینی در سنت جامعه شناسی غرب به ظهور مکتب شیکاگو در اوایل قرن بیستم برمی گردد و حتی پیش از آن ابن خلدون به صورت گذار به بحث مهاجرت روستاییان و عدم توان سکونت در متن اصلی شهر و رانده شدن به حاشیه اشاره کرده است، پس از انقلاب صنعتی و به تبع آن انفجار شهرهای دنیای مدرن است که این موضوع تبدیل به مسئله اجتماعی شد (همان منبع).

حاشیه‌ها از یک سو می‌توانند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر زندگی حاشیه‌ای، می‌تواند مسائل و مشکلات عدیده‌ای را برای ساکنان این مناطق به دنبال داشته است. در ایران پس از ورود و استقرار سرمایه داری وابسته، پدیده حاشیه نشینی به وجود آمد و رشد آن عمدتاً از سال ۱۳۲۰ به بعد شدت یافت. بطوری که در حال حاضر حاشیه‌ها حجم زیادی از جمعیت شهری کشور یعنی حدود ۱۰ الی ۱۲ میلیون نفر را در خود جای داده است؛ و حتی بر اساس برآورد های اسکان بشر سازمان ملل حدود ۴۴ درصد جمعیت شهری ایران در سال ۲۰۰۱ در حاشیه‌ها سکونت داشتند. طبق برآوردها، از ۱۴ میلیون نفر جمعیت حاشیه‌نشین و ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی در سال ۱۴۰۰، همچنان خوزستان با یک میلیون و ۷۵۰ هزار نفر، در رتبه اول قرار دارد. خراسان رضوی با اختلاف حدود ۱۰ هزار نفری دوم، تهران با ۱۰۶ میلیون نفر سوم و استان البرز نیز با نزدیک به ۱۰۲ میلیون نفر چهارم است. فارس با ۸۰۲ هزار نفر، آذربایجان شرقی با ۶۹۸ هزار نفر، اصفهان با ۶۶۰ هزار نفر، سیستان و بلوچستان با ۶۵۴ هزار نفر، آذربایجان غربی با ۵۷۸ هزار نفر، کردستان با ۳۹۶ هزار و قم با ۳۸۷ هزار نفر به ترتیب در رتبه‌های پنجم تا یازدهم قرار دارند. ایلام با ۷۳ هزار نفر، خراسان جنوبی با ۸۰ هزار و چهارمحال و بختیاری با ۸۲ هزار نفر به ترتیب کمترین جمعیت حاشیه‌نشین را دارند (آریافر، ۱۴۰۱).

چهارچوب نظری

پدیده حاشیه‌نشینی در دیسپلین های مختلف و مکاتب گوناگون در علوم اجتماعی و جغرافیا و برنامه ریزی شهری از زوایای متفاوتی مطالعه می‌شود. نخستین تلاش‌ها برای مطالعه مسائل حاشیه نشینان بر مشاهده میدانی و مشارکتی مبتنی بوده است.

• مکتب شیکاگو و آغاز مطالعه علمی حاشیه نشینی

محققان مکتب شیکاگو، دانشجویان شهری را تشویق می‌کردند با حضور در محلات فقیرنشین و پایین شهری رفتار ساکنان، انسجام‌ها و تعارض‌های اجتماعی موجود در این مناطق را مشاهده کنند. ویلیام وایت همچون لوئیس ورث، شهر شیکاگو را از نظر اجتماعی بررسی کرد به این نتیجه رسیدند که افراد این محله‌ها سازمان اجتماعی ویژه خود را دارند. او همچنین دریافت که افراد این محله‌ها ارتباط صمیمانه و انسجام بالایی با یکدیگر دارند. آنها در حالی که غریبه‌ها را به گروه خود راه نمی‌دهند ولی با یکپارچگی موجود بین اعضای گروه خود، با نظم، انضباط و مجموعه ارزش‌های خاصی زندگی می‌کنند.

مفسران مکتب شیکاگو به شدت تحت تاثیر تصورهای اکولوژیکی از شهر بودند و شهر را مانند یک اکوسیستم می‌دیدند که موجودات زنده درون آن همراه پروسه‌هایی نظیر رقابت و همکاری، سازش و توافق... زیست می‌کنند. شاو و مکی نیز به مسئله تنازع بقا اشاره می‌کنند. انسانها در مورد فضای محیط زیست - قوی‌ترین انسان‌ها - تازه واردان را ناگزیر به ادامه زندگی در محل‌هایی می‌کنند که از نظر زیست محیطی مناسب نیست و بدین صورت اصطلاح تنازع برای فضا و مکان را طرح می‌کنند.

منطبق با تئوری «پنجره شکسته»، «سرایت اجتماعی» و «بوم‌شناسی جرم» این محققان هم یادآور شدند که در حقیقت بعضی محله‌ها جرم‌زا هستند بافت و وضعیت محله که لزوماً فقر در آن خیلی تاثیر ندارد، الگوی فرهنگی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود افراد صرف نظر از فرهنگ، نژاد و ملیت، به بزه یا جرم و انحراف از هنجارهای جامعه سوق داده می‌شوند (هاشمی، ۱۴۰۱).

• مکتب نوسازی: مطالعه خرده فرهنگ دهقانی و فرهنگ فقر شهری

محققان مکتب نوسازی در نواحی فقیر و حاشیه شهرها تحقیقات میدانی زیادی با «رهیافت کمی - کیفی» صورت داده‌اند. از جمله تحقیق اسکار لوئیس در سال ۱۹۵۹ برای بیان نحوه زندگی افراد فقیر بود که نتیجه بررسی‌های میدانی وی در محلات فقیرنشین شهری است از نظر اسکار لوئیس فرهنگ فقر سندروم ویژه‌ای است که در برخی اوضاع اجتماعی خاص رشد کرده است. این فرهنگ تجسم مشترک ارزشها، هنجارها و الگویی متفاوت از فرهنگ عمومی جامعه است. به تعبیر اسکار لوئیس در حقیقت فقرا شیوه زندگی و خرده فرهنگی ویژه خود را دارند. در واقع، او فقر را دارای ساخت و ساز و کار عقلایی با شیوه زندگی پابرجا معرفی می‌کند که از نسلی به نسل دیگر سپرده شده است.

این محقق معتقد است که فقر فقط جنبه سلبی ندارد و فقط به معنای محرومیت اقتصادی نیست بلکه فقر شیوه‌ای از تفکر و مجموعه‌ای از هنجارهاست که ویژگی سازگار کننده نیز دارد. نکته مهمتر این که نسل‌های مختلف این فرهنگ را به ارث برده‌اند و آن را بازتولید می‌کند به اعتقاد اسکار لوئیس فرهنگ فقر، فرهنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه‌داری و توسعه جوامع شهرنشین به وجود آمده است (لوئیس، ۱۳۶۵). به اعتقاد او فرهنگ فقر را می‌توان در محله‌های فقیرنشین شهری و روستایی بهتر مطالعه کرد از نظر وی به احتمال خیلی زیاد، نامزدان فرهنگ فقر افرادی از طبقات پایین اجتماعی هستند که اجتماعشان در معرض دگرگونی سریع قرار گرفته است و در نتیجه تا حدی از اجتماع خود بیگانگی حاصل کرده‌اند (همان منبع).

علاوه بر مکاتب فوق، محققان، دیدگاه‌های مربوط به موضوع حاشیه نشینی را به شیوه‌های مختلف طبقه بندی می‌کنند. برای نمونه در یک طبقه بندی، رهیافت‌های نظری مرتبط با مطالعه حاشیه نشینی عبارتند از:

• دیدگاه ساختارگرا

در دیدگاه ساختاری پیدایش حاشیه نشینی معلول الگوی کلان توسعه کشورهاست.

• رهیافت لیبرالی

در رهیافت لیبرالی حاشیه‌نشینی عمدتاً بر جنبه‌های اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی پدیده استوار است. به عقیده مالتوس و نئو مالتوسی‌ها «مسبب بیکاری، فقر، حاشیه‌نشینی و جمعیت بیش از حد است» و در نتیجه پیش افتادن تقاضا (برای کار، زمین و ...) از عرضه است. حتی اقتصاددانان لیبرال، مهاجرت از روستا به شهر را در فرایند توسعه اقتصادی، امری ناگزیر می‌دانستند. سیاست‌های بانک جهانی عموماً از این جنبه تنظیم و توصیه می‌شوند و از جمله متفکران مهم این طرز فکر می‌توان به ترنر اشاره کرد.

• دیدگاه وابستگی

در رهیافت وابستگی ضمن نقد الگوی توسعه وابسته و برونزا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون در کشورهای در حال توسعه و به موازات آن رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل های ساختاری جامعه شدت می‌یابد و برآیند عملکرد توسعه ای وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه های حاشیه نشین شهری است.

• نگرش رادیکال

دیدگاه رادیکال حاشیه‌نشینی و پیدایش گروههای حاشیه ای و فقیر در جامعه های شهری، کشورهای در حال توسعه را نشأت گرفته از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه می‌داند. نتیجه قهری به این عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصادی سرمایه داری تمرکز و انباشت سرمایه، رشد نامتعادل اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی (تضاد ارضی بین دهقانان زمین دار و بی زمین، تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و...) است. بنابراین با توجه به این دیدگاه، در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ اجتناب ناپذیر است.

• پارادایم اقتصاد سیاسی

رهیافت اقتصاد سیاسی به شهر که آثار دیوید هاروی و کاستلز در این دسته قرار می‌گیرند، و عدالت و توزیع منابع را با توجه به روش های اقتصاد سیاسی تحلیل می‌کنند.

طبیعی است که هدف بیشتر مطالعات مربوط به حاشیه نشینی، ممانعت یا کاستن از میزان حاشیه نشینی در آینده (پیشگیری) یا ساماندهی و ارتقاء کالبدی و اجتماعی حاشیه های موجود است (درمان).

برخی هم از چهار رهیافت محافظه کار (تخریب حاشیه‌ها و ممانعت از شکل گیری)، لیبرال (رها کردن)، رادیکال (حل ریشه های نابرابری) و رفرمیستی (اصطلاح امور شهری) نام می‌برند (هاشمی، ۱۴۰۱).

بنابراین، از نظر نوع برخورد، دیدگاه های مرتبط با حاشیه نشینی و سکونتگاه های خودرو در سه دسته کلی، «مسئله گرا»، «بنیاد گرا»، «هدف گرا» یا «راه حل گرا» قرار می‌گیرند. هر یک از این دیدگاه‌ها برای تبیین پدیده یاد شده با توجه به وضعیت نظریه پردازی و متاثر از مقطع زمانی، خود سکونتگاه های خودرو را از زوایای مختلف مطرح کرده اند و هر یک، بخش‌هایی از این پدیده را توضیح داده و در تداوم زمانی خود را اصلاح کرده اند.

• دیدگاه مسئله گرا

دیدگاه مسئله گرا اساساً پدیده را در حد یک عارضه و یک مسئله شهری تقلیل داده و با طبیعی قلمداد کردن آن در صدد است که آن را به جبری مکانی یا طبیعی و حداکثر کارکرد ناقص و غلط آن چیزی تبدیل کند که دروازه بانان اجتماعی نامیده می‌شود. یعنی برنامه‌ریزان و مدیران مربوط کننده آنها بدون توجه به ریشه‌ها و بنیادهای مسئله و عوامل اساسی موثر در پیدایش، شکل دهی و ساختار بخشی این سکونتگاه‌ها فقط به عنوان پدیده‌ای عادی و طبیعی به آن نگرسته اند و عوارض سوء آن را در ایجاد فساد اجتماعی، جرم و جنایت و انواع آسیب های اجتماعی و روانشناختی توصیف کرده اند و در تحلیل نهایی آنها را در ستیز طبقاتی (به تعبیر وبری)، برای مسکن و سکونت یا در روال رشد طبیعی مستمر در نواحی طبیعی آن قابل حذف، پاکسازی و جمع آوری می‌دانند. از این رو این دیدگاه سیاست های پاکسازی و تخریب مجموعه های زاغه نشینی را طرح می‌کند ... تحلیلی بنیادی و ریشه‌ای از چرایی و ساز و کار ایجاد و تحول ارائه نمی‌کند. دیدگاه های بوم شناسی انسانی با این دیدگاه تحلیل می‌شود.

• دیدگاه بنیاد گرا

دیدگاه بنیاد گرا (ساخت گرایان، شهر و وابستگی، شهر جهانی و ...) اساساً متوجه بنیادها و ریشه‌های حاشیه نشینی بوده است و بیش از هر چیز آن را به ساز و کارهای نظام سرمایه داری و تبعات شکل خاصی از آن (در برخورد با اوضاع ویژه کشورهای تحت سلطه = سرمایه داری وابسته) نسبت می‌دهند. بنیاد گرایان تا حد زیادی، ریشه‌ها و بنیادهای شکل گیری و رشد پدیده را تبیین کرده اند. از این رو به اعتقاد آنها باید ریشه مسئله را در شکل شهرنشینی، الگوی توسعه اقتصادی و الگوی توسعه شهری جستجو کرد.

• دیدگاه هدف گرا

دیدگاه هدف گرا، به پدیده سکونتگاه های خودرو غالباً با بنیادها، ریشه ها و عوامل دخیل در شکل گیری آنها کاری ندارد و از نظر تبیین کلان پدیده و در تحلیل نهایی، در نظریاتی ریشه دارد که مسئله گرا نام گرفته اند. اما این دیدگاه، (حاشیه نشینی) مسئله ی شهری را در هر حال به عنوان یک واقعیت پذیرفته و به دنبال راه حل ها و راهکارهای بهینه سازی شرایط زندگی و سکونت هستند و راه حل های توانمند سازی و بهسازی این سکونتگاه ها را هدف قرار داد (هاشمی، ۱۴۰۱).

دیدگاه مسئله گرا (عارضه ی شهری و نتیجه کارکرد غلط دروازه بانان شهری)

دیدگاه بنیادگرا (برخورد ریشه ای با توزیع نابرابر فرصت ها)

دیدگاه هدف گرا (ساماندهی و توانمندسازی راه حل گرا)

در مجموع حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی را می توان در سه سطح خرد، میانه و کلان مطالعه کرد.

• نگرش کلان نگر

رهیافت اول نگرش کلان نگر است که حاشیه نشینی را برخاسته از ساختار نظام جهانی می داند که با توجه به اوضاع حاکم بر روابط بین مناطق شمال و جنوب ظهور یافته است، بنابراین بررسی تاریخی زایش و رشد مسئله ای ضروری است. به اعتقاد این گروه مطالعه فرایند تکامل نظام سرمایه داری جهانی در جریان تاریخی خود سبب تبدیل زمین و مسکن به کالایی با ارزش شد و چون مسکن جزو نیازهای اساسی است و داشتن آن برای همه لازم است و نیز نوع مسکن معرف پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد محسوب می شود و فقرای شهری امکان تهیه زمین و مسکن در متن شهر را ندارند، به ناچار به حاشیه ها رانده می شوند.

• نگرش میانه نگر

رهیافت دوم، در سطح میانه روابط حاکم بر اجتماعات حاشیه نشین را تحلیل می کند. این ره یافت حاشیه نشینان را یک بخش یا گروه اجتماعی می داند که واجد صفات خاصی هستند. گروهی از مردم که عموماً مهاجرند، خرده فرهنگ خاصی دارند، بی مسکنی یا بد مسکنی برای آنها به امری همیشگی تبدیل شده است و با افزایش تعداد و ازدواج نسل دومی ها کمبود مسکن در این مناطق حادث تر و وسیع تر می شود و اشتغال ناپایداری دارند. بنابراین، این نگرش در سطح و حوزه روانشناسی اجتماعی، مهاجران و تازه واردان را بررسی می کند که در حاشیه ها سکنی می گیرند.

• نگرش خرد نگر

نگرش سوم، در سطح خرد موضوع را پیگیری می کند و واحد تحلیل آن فرد حاشیه نشین است. این ره یافت، نگرش ها و سوابق فردی حاشیه نشین و ویژگی های دیگر این گروه از شهروندان را مطالعه می کند (همان منبع).

حاشیه نشینی، فقر و فرهنگ فقر

حاشیه نشین فقط از نظر اقتصادی، وضع مسکن، خدمات شهری و... فقیر محسوب نمی شود، بلکه از نظر فرهنگی نیز در وضعیت فقر به سر می برد. فرهنگ فقر در مناطق حاشیه از طریق سازوکارهای ذیل باز تولید می شود. ویژگی هایی مانند اشتغال ناپایدار و بیکاری، بعد خانوار و بار تکفل بالا و میزان کم درآمد حاشیه نشینان، سبب شده تا فقر به همزاد محلات حاشیه مبدل شود.

اسکار لوئیس معتقد است که محله های فقیرنشین حاشیه ای شهر، به دلیل نداشتن منابع اقتصادی، جدایی از دیگر طبقات اجتماعی و تبعیض، به تدریج راه و رسم زندگی را می پذیرد که بین فقرا پیدا می شود به این راه و رسم نوعی را فرهنگ فقر می نامد. فرهنگ فقر زاییده انطباق فقرا و نیز بازتاب ایشان درباره موقعیت های حاشیه ای طبقه اجتماعی شان در یک اجتماع طبقاتی، اجتماعی فردگرا و کاپیتالیستی است. این فرهنگ نشان می دهد که افراد آن در به دست آوردن موفقیت در ارزش ها و آماج اجتماعات بزرگتر خود شکست خورده و احتمال پیروزی برایشان باقی نمانده، در نتیجه تلاش می کنند که خود را با یأس و ناامیدی حاصل از این عدم موفقیت سازگار کنند. فرهنگ فقر، روزی در جوامع حاشیه نشین و فقیر به وجود می آید و به دلیل اینکه روی بچه ها اثر می گذارد، به تدریج از نسلی به نسل دیگر دوام می آورد و پایدار می ماند. فرزندان ارزش ها و رفتارهای خرده فرهنگ خود

به خود می‌پذیرد و در نتیجه به کسب مزایای کامل از دگرگونی شرایط و افزایش فرصت‌هایی که ممکن است در طول زندگی‌شان برایشان واقع شود از نظر روانی آمادگی ندارند (هاشمی، ۱۴۰۱).

اسکار لوئیس ویژگی‌های حاشیه‌نشینان را این‌گونه توصیف می‌کند:

- خود را کاملاً در حاشیه اجتماع احساس می‌کنند .

- حس یأس و ناامیدی دارند .

- هرج و مرج در هویت‌های جنسی

- فقدان قدرت تسلط بر تشنجات و هیجانات

- توانایی نسبتاً کم در تزکیه نفس و گذراندن وقت

- توانایی اندک در برنامه‌ریزی آینده خویش، قدرت گرا بودن، توکل در همه امور (همان منبع)

معمولاً حاشیه‌نشینی در شهرهایی که پذیرای جمعیت اضافی در بافت اصلی خود نیستند رشد می‌کند و عده کثیری از مهاجرین با سکونت در زاغه‌های اطراف شهر به کارهای غیرتولیدی کشانده می‌شوند. هم‌چنین این اصطلاح (حاشیه‌ای) بیشتر به گروه‌های جمعیتی و طبقات اجتماعی خاصی ارجاع داده می‌شود که با مسائل، موقعیت‌ها و زمینه‌های بزهکاری نابرابری، عدم بهداشت، افزایش مهاجرات، تعارض، فقر، بیکاری و مسائل سیاسی - اقتصادی سر و کار دارند. بر همین اساس حاشیه‌نشینان به تمام افرادی گفته می‌شود که در محدوده فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر حضور و سکونت دارند؛ ولی نحوه اسکان و معیشت آن‌ها از جامعه شهری کاملاً متمایز است و در نتیجه با جامعه شهری هماهنگ نشده‌اند.

اکثر حاشیه‌نشینان، مهاجران روستایی هستند که با کوله باری از فقر و محنت و به قصد دستیابی به زندگی بهتر، جذب زندگی شهری می‌شوند و تخصص آن‌ها که بیشتر در زمینه کشاورزی سنتی است، در مشاغل سیاه و کاذب و یا فعالیت‌های ساختمانی، رفتگری، کارگری ساده و به عبارتی در بخش‌های غیرمولد به کار می‌افتد. عدم مشارکت، احساس تبعیض و نداشتن روحیه تعلق شهروندی از ویژگی‌های عمده شخصیتی حاشیه‌نشینان است (ترک، ۱۳۹۷).

عوامل موثر در حاشیه‌نشینی

- علت عمده حاشیه‌نشینی، مشکلات اقتصادی است و جمعیت حاشیه‌نشین را مهاجران روستایی و خانواده‌های فقیر تشکیل می‌دهند که به دلیل سرپرستی، بیکاری، معلولیت، سالمندی، بیماری، اعتیاد و فقر ناگزیر به حاشیه‌شهرها کشانده می‌شوند و به دلیل ارزان بودن زمین و خانه در محدوده حاشیه‌شهرها، بدون رعایت استانداردهای شهرسازی و با تهیه ارزانه‌ترین مصالح و با حداقل هزینه اقدام به ساخت سرپناه می‌کنند.

- علت دیگر حاشیه‌نشینی، رشد شتابان جمعیت و جمعیت‌پذیری محدوده‌های پیرامونی و ضعف نظام‌های اقتصادی و مدیریت شهری برای کنترل و هدایت آن است.

- هم‌چنین نظام اقتصاد شهری و منطقه‌ای دوگانه و اتکای آن بر اقتصاد غیررسمی گسیخته و ضرورت حیات غیررسمی که بروز کالبدی آن به شکل محدوده‌های متمرکز روی اسکان غیررسمی ظاهر می‌شود می‌تواند عاملی برای حاشیه‌نشینی باشد.

- از طرفی، قطعه‌بندی‌های بزرگ زمین داخل شهرها موجب افزایش قیمت تمام شده زمین می‌شود؛ به طوری که اقشار کم‌درآمد توان خرید ندارند و ناچار به حاشیه‌شهرها روی می‌آورند. افزایش قیمت خانه و اجاره بها نیز در کلان‌شهرها و به دنبال آن مشکلات اقتصادی و معیشتی شده و عاملی در جهت افزایش حاشیه‌ها به حساب می‌آید.

- عامل موثر دیگر، سهولت ضوابط پرداخت وام و اعتبار مسکن و پایین بودن مبلغ وام پرداختی با توجه به قیمت‌های آپارتمان و هم‌چنین اطمینان خانواده‌های کم‌درآمد و پس از اخذ وام از قدرت بازپرداخت اقساط بلندمدت می‌باشد (افشاری، ۱۳۹۸).

آثار و پیامدها

مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینی با جرم رابطه مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمع و اختلاف فاحش و چشمگیر و طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، هم‌چنین گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی باعث می‌شود تا مهاجران

غیرمتخصص که درآمد آنان کفاف مخارج شان مخارج شان را نمی‌دهد برای برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری و لو غیرقانونی بزنند. مطالعه بر روی وضعیت زندگی جوامع فقیرنشین نشان می‌دهد که به طور کلی دو عامل اساسی در پیدایش و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ دخالت دارد. عامل اصلی مسئله پایین بودن درآمد ملی و کمبود منابع داخلی است، این مسئله در پیدایش مناطق فقیرنشین هند، پاکستان و کشورهای آفریقایی نقش موثری داشته است.

عامل دوم کمبود یا فقدان عدالت اجتماعی در توزیع عادلانه ثروت ملی هر کشور بین همه شهروندان است. به عنوان مثال با این‌که پس از جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی با رشد اقتصادی بالا، ثروت سرشاری را بدست آوردند و عنوان کشورهای توسعه‌یافته را کسب کردند، اما به علت عدم رعایت کامل عدالت اجتماعی هنوز بخش قابل توجهی از جمعیت اروپا در فقر زندگی می‌کنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، انحرافات اجتماعی گوناگونی که در زیر به آنها اشاره می‌شود به سرعت رشد می‌کند (کاکویی دینکی، ۱۴۰۰).

• نزاع دسته جمعی و قتل عمد:

از جرایم شایع در مناطق حاشیه‌ای، نزاع‌های دسته جمعی و قتل عمد می‌باشد. ساکنان این مناطق معمولاً مهاجران روستاها و ایل‌ها می‌باشند که در یک محل و نزدیک به هم سکنی می‌گزینند و در مواقعی به سبب درگیری‌های جزئی بین دو نفر و به دنبال جانبداری از یکدیگر، حتی به دنبال دعوی کودکان، نزاع‌های دسته جمعی شدیدی رخ می‌دهد که معمولاً منجر به کشته یا زخمی شدن عده‌ای از منازعه‌کنندگان نیز می‌شود.

• سرقت و اختفای اموال مسروقه

متن شهرها آماج مجرمانه مطلوبی برای سرقت حاشیه‌نشین‌ها است. محلات حاشیه‌ای بهترین مکان برای مخفی کردن اموال ناشی از سرقت می‌باشد. از آن جایی که در این محله‌ها کنترل پلیسی و انتظامی محدود است؛ به همین دلیل این محلات تبدیل به محل امن و سرپناهی مناسب برای مجرمان می‌شود.

• خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی

توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و دلیل آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان، شغل خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار می‌دهند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه به کسب سود دست پیدا می‌کنند. به علاوه، ساخت مشروبات الکلی در مناطق حاشیه‌ای شهر بیشتر به چشم می‌خورد و توزیع آن، در مناطق داخل شهری یا همان مناطق صورت می‌گیرد.

• اخاذی و تهدید برای کسب مال دیگران

یکی دیگر از جرائمی که در این مناطق وجود دارد اخاذی و تهدید دیگران با استفاده از چاقو و ابزارهای مشابه دیگر می‌باشد که بیش تر در میان جوانان رایج است. اما مسئله این جاست که این مجرمان بیش تر در کلان شهرها و یا در مناطق حاشیه نشین اقدام به ارتکاب این جرم می‌کنند تا در مناطق حاشیه‌ای و اغلب این جرم را به صورت گروهی انجام می‌دهند؛ چرا که درصد موفقیت بالاتر می‌رود و اگر هم با مقاومت شخص قربانی رو به روشوند می‌توانند آن سد را بشکنند. به علاوه ترس آن‌ها برای ارتکاب جرم نیز از بین می‌رود.

• خشونت‌های جنسی

باند‌های مثل: کرکس و باغ‌انار و یا افرادی مانند: خفاش شب و محمد بیجه ساکنان مناطق حاشیه‌ای بوده‌اند؛ که به دلیل نبود امکانات و بالا رفتن سن ازدواج و عدم فراهم بودن شرایط برای ازدواج، اقدام به تشکیل باند‌های کرده‌اند تا بتوانند به این احساس محرومیت‌ها و فشارهای درونی خود پاسخ بدهند و آتش شهوت درون خود را به نوعی فرو بنشانند.

• افزایش بزهکاری زنان

به طور کلی جرائم زنان در این مناطق به ۲ دسته تقسیم می‌شوند. یکی جرائم جنسی و دیگری جرائم حالتی - رفتاری. شایع ترین جرائم جنسی زنان حاشیه نشین، روسپی‌گری است. روسپی‌گری برای برخی از زنان این مناطق به عنوان یک شغل با درآمد

نسبتاً کافی به حساب می‌آید. اما زنان این ناحیه‌ها قربانیان جرائم حالتی - رفتاری نیز هستند. خرید و فروش مواد مخدر در برخی خانواده‌های حاشیه نشین به عنوان یک منبع درآمد امری عادی به حساب می‌آید. از جرائم دیگر این دسته از زنان، سقط جنین و ساخت و سازهای مشروبات الکلی خانگی است. زنان حاشیه نشین با گذر زمان و کسب تجربه راههای ساختن مشروبات الکلی خانگی را می‌آموزند و بیش تر وقت خود را صرف سرکشی و مواظبت از این محصولات می‌کنند.

• تخریب محیط‌های شهری

حاشیه نشینی از عوارض جامعه مدرن است که به این صورت تشدید می‌شود و در واقع افراد حریم خود را در معرض دستبرد دیگران می‌بینند. فردی که در منطقه حاشیه ای زندگی می‌کند زیبایی‌های موجود در شهر را مال خود نمی‌داند و درصد تخریب آن بر می‌آید.

• برخورد با ماموران دولتی

حاشیه نشینان، دولت را که نماد مدیریت جامعه است، به ویژه شهرداری‌ها را مسئول اصلی وضع خود می‌دانند. آنان نقاط ضعف خود را نادیده می‌گیرند و به همین دلیل در برخورد با ماموران دولتی، هر چند که می‌دانند آن‌ها نقشی در ایجاد این نابسامانی‌ها ندارند، برخورد خصمانه ای از خود بروز می‌دهند و در اغلب موارد حتی حاضر به قبول راه حل‌های منطقی ارائه شده از طرف آنان نیستند.

• پیدایش روحیه تضاد و مبارزه طلبی

به دلیل عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری، روحیه تضاد و مبارزه منفی به سهولت در بین حاشیه نشینان شهری شکل می‌گیرد و این احساس در بین فرزندان آن‌ها که در چنین شرایطی متولد و بزرگ شده اند به مراتب بیش از پدران و مادرانشان بروز می‌کند.

• مشکلات بهداشتی و جمعیتی

در مناطق حاشیه نشین، عوامل گوناگونی از قبیل: جاری بودن فاضلاب در سطح زمین، بهداشتی نبودن دستشویی و عدم استفاده از صابون، رطوبت شدید خانه‌ها، پایین بودن سطح بهداشت، تغذیه نامناسب مادران و کودکان، ازدواج‌های فامیلی و عدم رعایت نکات بهداشتی در دوران بارداری باعث می‌شود که نسبت مرگ و میر کودکان در قیاس با مناطق دیگر بیشتر شده و مادران برای خنثی کردن اثر عوامل فوق، اسلحه بارداری را برگزینند تا جای مرگ و میر کودکان را با زاد و ولد بیشتر پر کنند.

• افزایش آمار خودکشی

مطالعات نشان می‌دهد تراکم جمعیتی بالا در خانواده‌ها و محله‌ها، تحصیلات و مهارت‌های شغلی اندک و شیوع بیماری‌های جسمی و روانی همسو با کم‌اطلاعی از مسائل و موضوعات بهداشتی و سلامتی باعث تداوم زندگی حاشیه‌نشینی، معضلات آن و همزیستی دائمی با خطرات آن می‌شود که زمینه مناسبی را برای اقدام به خودکشی به وجود می‌آورد.

• افزایش جمعیت شهرها

هما آقا در تحقیقی تحت عنوان « بررسی باروری در ایران و رابطه آن با شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی » به این نتیجه رسید که مهاجرت روستائیان به شهرها باعث شده که مناطق شهری ایران از میزان نسبتاً بالای باربری برخوردار باشند.

مهمترین اقدامات و راهکارهای پیشگیرانه و درمانی

رفع یا کاهش مشکلات حاشیه نشینی در شهرها نیازمند اقدامات گوناگونی است که با همکاری دولت، بخش خصوصی و جامعه ساکن در این سکونتگاه‌ها قابل انجام است. با توجه به این که مشکل حاشیه نشینی با وضعیت اقتصادی ملی و برابری‌های منطقه ای در دسترسی به منابع و خدمات، ارتباط نزدیکی دارد و متاثر از نابسامانی‌های اقتصادی مناطق مختلف کشور برای ایجاد اشتغال، تأمین خدمات و کیفیت زندگی در شهرهاست، اقدامات زیر تنها می‌تواند در کاهش مشکلات موثر باشد (افشاری، ۱۳۹۸).

- هرگونه ساماندهی حاشیه نشینی، نیازمند همکاری میان دستگاه‌های مختلف می‌باشد تا از این طریق به یکسان سازی و هماهنگ کردن اقدامات برای بازسازی مناطق حاشیه‌ای پرداخته شود.

- حاشیه نشینی را می‌توان مترادف با «بد مسکنی» دانست. از این رو هر گونه برنامه برای تامین مسکن سالم چه جوابگوی حداقلی های زندگی شهری باشد، به طور طبیعی می‌تواند منجر به کاهش حاشیه نشینی شود. اقدام مراجع قانونی و ادارات ذی ربط دولتی نسبت به تعیین مناطقی از محدوده و یا حریم شهری برای ایجاد محله‌ها و شهرک‌های جدید سکونتگاهی و همچنین نظارت بر بازار عرضه و تقاضای مسکن، از ایجاد و گسترش حاشیه نشینی در بستر زمان پیشگیری می‌کند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱).

- حل مشکل حاشیه‌نشینان، در شناخت ابعاد مختلف مسائل آنها و بهره‌گیری از مشکلات آنها در پیدا کردن راه حل های اجتماعی نهفته است. از این رو، راه حل اساسی حاشیه نشینی در توسعه متوازن و پایدار درون زای شهری، تامین امنیت و عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری های اقتصادی و فرهنگی در بین قشرهای مختلف جامعه و مناطق مختلف کشور خواهد بود (آریافر، ۱۴۰۱).

- هر اندازه خاصیت یکپارچه کردن فرهنگ شهری بیشتر باشد و بتواند فرهنگهای فرعی را در خود حل کند، برخوردها و تضادها و اختلافات کمتر خواهد شد. هرچند بیان این موضوع که بزهکاری کودکان و نوجوانان نتیجه مستقیم زندگی در محلات پست و فقیر نشین است جزء موهومات به شمار می‌رود، ولی نباید فراموش کرد که اگر خانواده‌ها صاحب مسکن شایسته‌ای باشند و راه‌گریزی برای نجات از فشار و محرومیت های زندگی در اتاق‌های محقر، شلوغ و غم‌انگیز داشته باشند، برای نوجوانان این خانواده‌ها احتمال کمتری وجود دارد که در زمره نوجوانان بزهکار قرار گیرند (احمدی، ۱۳۹۷).

- شوراهای اسلامی شهرها به عنوان متولیان اصلی در هدایت مدیریت شهری، در خصوص پدیده حاشیه نشینی می‌باید از طریق شهرداری ابتدا توقف ادامه ساخت و ساز و گسترش مکانی را با تحدید و تعیین حدود آن از طریق همکاری خود حاشیه نشینان خواستار شود. سپس با لحاظ کردن کلیه مقررات قانونی، به اصلاح سطح زندگی در میان آنان بپردازد. همچنین شوراهای ضمن اطلاع از تحرک جمعیت و آشنایی با میزان و تعداد قشر کم درآمد شهری، باید در ایجاد شهرک‌های جدید با رعایت حداقل استانداردها از طریق ارائه پیشنهاد به مسئولان ذی ربط و همکاران در ایجاد تسهیلات برای ساخت و ساز چنین مکان هایی به منظور کاستن از حجم متقاضیان حاشیه‌نشینی اقدام کند (ناظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

دوره های مهاجرت در ایران

می‌توان مهاجرت از روستا به شهر را در ایران به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول؛ این دوره مربوط به قبل از اصلاحات ارضی است که مهاجرت به کندی انجام می‌شود. دوره دوم؛ این دوره از اوایل دهه ۱۳۴۰ به تدریج با آغاز برنامه های مربوط به تقسیم زمین و مشکلاتی آغاز می‌شود که بر اثر دگرگون شدن نظام سنتی روستاها پدید آمد. دوره سوم؛ این دوره را دوره انفجاری می‌نامند. از اواخر سال ۱۳۴۹ آغاز شده است و تا اواخر سال ۱۳۵۶ و اوایل سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. اما باید به این طبقه بندی، مهاجرت‌های پس از انقلاب نیز اضافه شود که خود به زیر دوره هایی تقسیم می‌شود: مرحله اول سالهای ۱۳۴۲ - ۱۳۰۰، مهاجرت کند و محدود به چند شهر بزرگ و مرحله دوم سال های ۱۳۵۷ - ۱۳۴۲ اصلاحات ارضی در روستاها و فراهم شدن به ضمیمه کار در شهرها موجب رشد سریع مهاجرت در کشور شد. مرحله سوم از سال ۱۳۵۷ به بعد است که به دلیل امتیازات بی حد و حصر برای افراد کم درآمد و محروم موجب شتاب گرفتن مهاجرت شد (غلامی و کشاورز، ۱۴۰۱).

مهاجرت: علل، پدیده‌ها و راه حل‌ها

در دهه های اخیر، مهاجرت یکی از مسائل عمده اجتماعی ایران بوده است. در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ در ایران ۴۲۷۴۲۰۰۰ نفر جابجا شده اند و فقط در فاصله ۳۰ ساله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، ۶۶۵۷۱۶۹ نفر از روستاها به شهر مهاجرت کرده‌اند و در آخرین سرشماری سال ۱۳۹۰ از ۱۲۳۰۰۰۰۰ هزار نفر بیشتر از دو میلیون نفر مستقیماً از نقاط روستایی به شهرها مهاجرت کرده‌اند. همچنین در همین دوره‌ها همواره بیش از یک‌سوم رشد شهری کشور نشأت گرفته از مهاجرت بوده است.

طبق برآوردها، از ۱۴ میلیون نفر جمعیت حاشیه‌نشین و ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی در سال ۱۴۰۰، همچنان خوزستان با یک‌میلیون و ۷۵۰ هزار نفر، در رتبه اول قرار دارد. خراسان‌رضوی با اختلاف حدود ۱۰ هزارنفری دوم، تهران با ۱.۶ میلیون نفر

سوم و استان البرز نیز با نزدیک به ۱.۲ میلیون نفر چهارم است. فارس با ۸۰۲ هزار نفر، آذربایجان شرقی با ۶۹۸ هزار نفر، اصفهان با ۶۶۰ هزار نفر، سیستان و بلوچستان با ۶۵۴ هزار نفر، آذربایجان غربی با ۵۷۸ هزار نفر، کردستان با ۳۹۶ هزار و قم با ۳۸۷ هزار نفر به ترتیب در رتبه‌های پنجم تا یازدهم قرار دارند. ایلام با ۷۳ هزار نفر، خراسان جنوبی با ۸۰ هزار و چهارمحال و بختیاری با ۸۲ هزار نفر به ترتیب کمترین جمعیت حاشیه‌نشین را دارند.

در اینجا این نکته ناگفته نماند که در سال‌های اخیر با دو دسته جمعیت مهاجر به حاشیه شهرها روبه‌رو هستیم؛ دسته اول آنهایی هستند که به‌واسطه گرانی مسکن و زمین، از دست دادن شغل (مشاغل غیررسمی بیشترین آسیب را از کرونا دیده‌اند) به حاشیه مهاجرت کرده‌اند، اما دسته دومی که در یک‌دهه اخیر و با سرعت بیشتر در پنج‌سال اخیر به حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی مهاجرت کرده‌اند، ساکنان مناطق روستایی هستند که به‌واسطه خشکسالی‌های پی‌درپی، شغل خود را در روستا از دست داده و به امید دستیابی به مشاغل بهتر عامل مناطق شهری شده‌اند. این افراد به‌دلیل نداشتن مهارت‌های شغلی و توان مالی، در مناطق شهری جذب نشده و مجبور به اسکان در حاشیه می‌شوند. نمونه قابل‌تأمل آن در استان سیستان و بلوچستان قابل مشاهده است. این وضعیت شهرهای دیگر و از جمله اقمار تهران، البرز، مشهد و اصفهان و سایر شهرها نیز مصداق دارد. در این خصوص، گزارش مرکز آمار ایران از آمارهای مربوط به اشتغال در بخش کشاورزی ایران نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۳۸۴ تا تابستان ۱۴۰۱ تعداد شاغلان بخش کشاورزی ایران با کاهش ۱/۳ میلیون نفری از پنج میلیون و ۱۰۰ هزار نفر به سه میلیون و ۷۶۳ هزار نفر در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

در شرایط فعلی کشور بهترین راه مبارزه با حاشیه‌نشینی ایجاد اشتغال در روستاهاست. بسیاری از فعالان اقتصادی و کارشناسان اقتصاد معتقدند که مسئله گسترش فقر و افزایش مناطق فقیرنشین در حاشیه شهرهای بزرگ ایران نیز نتیجه سیاست‌گذاری‌های متمرکز توسعه شهری و عدم توجه کافی به اشتغال‌زایی در شهرستان‌ها و روستاهای کشور است. در شرایط فعلی که اقتصاد ایران تحت تاثیر تحریم آسیب دیده است، توجه کم مسئولان به مسئله اشتغال در روستاها نیز به این معضل دامن زده و متأسفانه امروز شاهد افزایش پدیده روستاهای خالی از سکنه هستیم، چرا که مردم به امید اشتغال و زندگی بهتر به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند.

با توجه به این‌که اکثر جمعیت مهاجر به شهرهای بزرگ ایران مثل تهران و مشهد توانایی پرداخت هزینه‌های زندگی در شهر را ندارند بنابراین آنها زندگی در محله‌های بسیار ارزان حاشیه شهر را ترجیح می‌دهند و برای کار به شهر می‌آیند. تمرکز جمعیت جوان و با درآمد کم در حاشیه شهرهای بزرگ نه تنها از نظر مسائل بهداشتی با مشکلات اساسی مواجه است، بلکه مشکلات حاد اجتماعی مثل افزایش اعتیاد و بیماری ناشی از افزایش اعتیاد مثل ایدز و هیپاتیت را به همراه دارد. بسیاری از کارشناسان مسائل اجتماعی و شهری اولین دلیل افزایش پدیده حاشیه‌نشینی پس از انقلاب اسلامی ایران را نتیجه جنگ تحمیلی با عراق می‌دانند. با آغاز جنگ بسیاری از مردم شهرهای جنگ‌زده مثل خرمشهر، آبادان و شهرهای غرب کشور به مناطق مرکزی مهاجرت کردند. با توجه به این‌که شهرهای مرکزی ایران توانایی جذب تعداد زیاد مهاجر را نداشتند، لذا بیشتر مهاجران در حاشیه شهرها ساکن شدند و بسیاری از آنها پس از پایان جنگ به شهرهای خود بازنگشتند. پس از مسئله جنگ تحمیلی و تاثیر مستقیم آن بر پدیده حاشیه‌نشینی، دومین عامل اصلی در افزایش این پدیده عدم توجه به سیاست‌های تمرکز زدایی و ایجاد اشتغال و افزایش امید به زندگی در شهرستان‌ها و روستاهای کشور است. در شرایط فعلی کشور با در نظر گرفتن مشکلات اقتصادی بهترین راه مبارزه با حاشیه‌نشینی در مرحله اول ایجاد اشتغال در روستاها برای کاهش نرخ مهاجرت به شهرهاست و در مرحله دوم تولید. مجتمع‌های مسکونی ارزان با رعایت زیرساخت‌های شهری و با وام کم‌بهره دولتی است (غلامی و کشاورز، ۱۴۰۱).

آثار و پیامدهای مهاجرت در مبداء و مقصد

درباره آثار و پیامدهای مهاجرت در مبداء و مقصد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کمک به افزایش جمعیت شهری و شکل‌گیری حاشیه‌ها.

۲. تغییر کالبد فیزیکی شهرها

۳. افزایش تقاضا برای خدمات شهری

۴. تخلیه جمعیتی روستاها (غلبه پیران و سالخوردگان)

۵. ایجاد تنوع و آمیختگی فرهنگی در شهرها

۶. تبدیل جمعیت تولید کننده به مصرف کننده ...

یکی از شکل های مهم مهاجرت در جهان، مهاجرت های روستا - شهری هستند که به دلایل گوناگونی صورت می گیرند: اشاعه خدمات بهداشتی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و نیز ورود تکنولوژی جدید و مکانیزه شدن کشاورزی از علل تشدید مهاجرت روستاییان به نقاط شهری بوده است (افشاری، ۱۳۹۸).

مشکلات زندگی حاشیه نشینی

زندگی حاشیه ای از یک سو می تواند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر زندگی حاشیه ای و در حاشیه ماندن، مسائل و مشکلات عدیده ای را برای ساکنان این مناطق به دنبال داشته است. مهمترین مشکلات زندگی خانوادگی در محلات حاشیه نشین، عبارت اند از

- بیکاری و نداشتن شغل دائم سرپرست خانوار

- مشکل مالی و کمبود درآمد

- نداشتن خانه و مسکن مناسب

- محیط بد اجتماعی و فرهنگی این محلات

- عدم رسیدگی شهرداری

- کمبود امکانات رفاهی تفریحی برای فرزندان

- انحراف اجتماعی زیاد از جمله اعتیاد

- نبود امنیت (به ویژه برای دختران)

همچنین در بیان مهمترین مسائل و مشکلات محلات حاشیه نشین به مواردی نظیر

- آسفالت نبودن کوچه ها

- کمبود بهداشت و سرپوش نبودن رودخانه و فاضلاب های محله

- کمبود امکانات رفاهی، فرهنگی و آموزشی

- عدم رسیدگی شهرداری به این محلات

- نداشتن آب لوله کشی

- فقر و بیکاری

- نبود امنیت

- وجود انواع آسیب ها و انحرافات اجتماعی به ویژه اعتیاد

- شلوغی محله ها و تراکم جمعیتی زیاد

- بافت روستایی و چند قومی و فرهنگی بودن محله و... اشاره نمود (ساعدی دویسه، ۱۴۰۰).

راه حل ها برای برخورد با این مسئله شهری

حاشیه نشینی عنصر انکارناپذیر همه شهرهای بزرگ و مدرن جهان است. هر چند کمیت و کیفیت آن در جوامع مختلف متغیر است. در برخورد با این پدیده همانند سایر پدیده های اجتماعی باید از یک جانبه نگری پرهیز کرده بر تلاش جدی به قصد چاره اندیشی علمی و درک مسائل اجتماعی آن اهتمام ورزید و به نکات زیر توجه کرد:

در ایران، برخلاف شهرهای غربی، حاشیه نشینان معمولاً در مناطق پیرامونی و فقیرنشین شهر استقرار می یابند و عواملی برای توسعه فرهنگ فقر می شوند، یعنی علاوه بر فاصله اجتماعی اغلب فاصله فیزیکی نیز وجود دارد.

براساس یافته‌های تحقیقات پیشین (پیران ۱۳۸۱ تا ۱۳۶۷) و این بررسی، حاشیه‌نشینان در عین حال که در میان خود از همبستگی اجتماعی ضعیفی برخوردارند، در مقابل نسبت به تهدیداتی علیه منافع شان به صورت نیروی واحد و بسیار هم بسته در می‌آیند و از تنها موجودیت خود، یعنی زندگی حاشیه‌نشینی، با تمام قوا دفاع می‌کنند.

حاشیه‌نشینان دولت را که نماد مدیریت جامعه است به ویژه شهرداری‌ها را، مسئول اصلی وضع خود می‌دانند. آنان نقاط ضعف خود را نادیده می‌گیرند و به همین دلیل در برخورد با ماموران دولتی، هر چند که خود می‌دانند آنها نقشی در ایجاد این نابسامانی‌ها ندارند، برخورد خصمانه‌ای از خود بروز می‌دهند و در اغلب موارد، حتی حاضر به قبول راه حل‌های منطقی ارائه شده از طرف آنان نیز نیستند.

به دلیل عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری، روحیه تضاد و مبارزه منفی به سهولت در بین حاشیه‌نشینان شهری شکل می‌گیرد و این احساس در بین نسل دوم یعنی فرزندان که در شرایط حاشیه‌نشینی متولد و بزرگ شده‌اند، به مراتب بیش از پدران و مادران آنها بروز می‌کند. به همین دلیل، گذشت زمان در این موارد نه تنها چاره ساز نیست بلکه بر پیچیدگی آن نیز می‌افزاید حل مشکل حاشیه‌نشینان در شناخت ابعاد مختلف مسائل آنها و بهره‌گیری از مشارکتشان در پیدا کردن راه حل‌های اجتماعی نهفته است. تحقیق استراتژی توسعه پایدار در انزوای شهری، که آن هم مستلزم این است که به هنگام تدوین طرح‌های شهری به چند مسئله توجه کنیم:

۱. مشارکت اکثر مردم در تصمیم‌گیری درباره توسعه شهری و توجه به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف شهر

۲. شناسایی نیاز محله‌های شهر و اینکه کدام محله نیاز بیشتری دارد

۳. توجه بیشتر به طرح‌های کوچک محله‌ای و ناحیه‌ای در داخل شهرهای بزرگ

۴. ایجاد شوراهای محلی در داخل محلات شهری و توجه بیشتر به گروه‌های کم درآمد مخروبه‌های شهر به منظور شکوفایی شرایط رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی

از این رو، راه حل اساسی حاشیه‌نشینی، در

- توسعه متوازن و پایدار در انزوای شهری

- تامین امنیت و عدالت اجتماعی،

- کاهش نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی در بین قشرهای مختلف جامعه و مناطق مختلف کشور خواهد بود.

در شهرها به خصوص شهرهای بزرگ، مسئولان محلی و ملی چه عملکردی می‌توانند در برابر انفجار جمعیت و مهاجرت حاصل از آن داشته باشند؟ چگونه خود را با آن تطبیق دهند؟ بحران اخیر زیست محیطی تهران یکی از نشانه‌های رشد لجام گسیخته شهری و ضرورت توجه به توسعه متناسب و اجرای نظریه عدم تمرکز و آمایش سرزمین در برخورد با رشد بی‌قواره شهری در ایران است. (آریافر، ۱۴۰۱).

به طور خلاصه سه نوع روش فرا روی مدیران و برنامه‌ریزان شهری در ایران برای دستیابی به توسعه متوازن شهری قرار دارد:

۱. تصور راندن مهاجران از شهر یا کوشش در این جهت، این تاکتیک را برخی محققان تاکتیک ورود ممنوع خوانده‌اند. در

ایران بعد از انقلاب با صدور کارت سکونت شهری، چنین سیاستی اعمال شد اما موثر نیفتاد!

۲. نادیده گرفتن حاشیه‌نشینی و تصور اینکه انگار چیزی اتفاق نیفتاده است و انتظار داشت که موضوع خود به خود حل شود.

۳. قبول واقعیت حاشیه‌نشینی از جانب مسئولان و سپس کنترل و هدایت آن در چارچوب طرح‌های توسعه شهری، به گونه

ای که از جمعیت جدیدی که به شهرها سرازیر می‌شوند برای توسعه و ازدیاد ثروت ملی استفاده کنند. در این باره جمعیت مهاجر جدید در روند شهرنشینی و توسعه شهرها به خدمت گرفته می‌شوند و از این اضافه جمعیت در رفاه و آسودگی استفاده به عمل آمده است.

راه حل اول، یعنی تاکتیک ورود ممنوع روشی بسیار قدیمی است. در ایران پس از انقلاب با صدور کارت سکونت شهری چنین

سیاستی اعمال شد، اما موثر واقع نشد.

راه حل دوم، غفلت و چشم‌پوشی است. در این رهیافت وانمود می‌شود که مهاجرت و حاشیه‌نشینی مسئله نیستند اما متأسفانه عمومی‌ترین شیوه موجود است. نتیجه این امر تپه‌ها و زاغه‌هایی در اطراف شهرهای بزرگ است که ما با آنها مواجه می‌شویم. پس از اینکه رشد شهر و حاشیه‌اتفاق افتاد و از وضعیت عادی خارج شد، آنگاه مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان افتاد. راه حل سوم، به رسمیت شناختن مسئله‌ای است که در حال اتفاق افتادن است و متناسب با آن تلاش برای پیشگیری و ساماندهی مسئله است. در قالب این راه حل به مهندسی اجتماعی، توانمندسازی، ارتقای دسترسی به خدمات اجتماعی و تحقق استراتژی توسعه پایدار درون زای شهری توجه می‌شود. البته هدف، تشویق مهاجرت یا حاشیه‌نشینی نیست بلکه برخورد عقلانی با پدیده‌ای است که دارد اتفاق می‌افتد (ناظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

پیشنهادها

- با توجه به مطالعات و مشاهدات نگارندگان، در ذیل برخی پیشنهادها به منظور ساماندهی بهتر مناطق حاشیه‌آمده است:
- در حال حاضر و در آینده شهری کشور از آنجا که حاشیه‌ها بخش مهمی از جمعیت و حتی اشتغال ساکنان رسمی یا غیررسمی شهرها را در خود جای می‌دهند، بنابراین مسئولان امر می‌بایست با اتخاذ سیاست‌هایی، با برخورد ریشه‌ای و منطقی به توسعه اجتماعی حاشیه‌های شهری و اجرای توانمندسازی مردم با نگاه به تجارب جهانی کمک کنند.
- به دلیل تفاوت در ماهیت و ابعاد مسائل حاشیه‌ها ایجاد شوراهای محلی به درک عینی‌تر این مسئله کمک می‌کند.
- مهاجران و تازه‌واردان نیازمند خدمات مددکاری و مشاوره در زمینه‌های گوناگون هستند.
- وضعیت امنیت عمومی در حاشیه‌ها پایین‌تر از مناطق دیگر شده است. بنابراین حضور جدی‌تر پلیس و ایجاد کلانتری در مناطق حاشیه باعث افزایش ضریب امنیت در این مناطق می‌شود.
- به دلیل ضعف بنیه مالی ساکنان حاشیه‌ها سازمان‌های متولی باید کاهش یا تخفیف در هزینه خدمات شهری را اعمال کنند.
- مبارزه جدی‌تر، غیر قهری و ریشه‌ای با مسائل اساسی مورد توجه آنان یعنی فقر، بیکاری، اعتیاد، ولگردی و آسیب‌های اجتماعی.
- رفع کمبودهای بهداشتی و دسترسی به خدمات آموزشی و امکانات رفاهی.
- بهسازی کالبدی و فیزیکی در رونق اقتصادی، بهداشت و دلبستگی اهالی به محیط و محله و حتی کاهش خشونت و وندالیسم در این مناطق تاثیرگذار است.
- از آنجا که مهاجرت به خودی خود واجد نکوهش نیست و روند طبیعی بشر بوده است. بنابراین آنچه مهم است ترکیب مهاجران و میزان مهاجرت و سرنوشت مهاجران در مقصد و پیامدهای آن در مبدا است.
- به دلیل تجربه تولد یا رشد در محیط‌های شهری جدید و شهروند دانستن خود، نسل دوم یا سوم حاشیه‌نشینان با نسل‌های پیشین خود تفاوت‌های بسیاری دارند و باید به صورت دیگری با آنان برخورد شود و آنها را مدیریت کرد.
- برنامه‌ریزی شهری که هدف خود را تخفیف مسائل شهری قرار داده است، باید با توجه به تغییرهای گسترده تدوین شود و البته در این میان عنصر لازم و ضروری برای رفع مسائل اجتماعی شهری، کاهش فاصله حاشیه - متن و باز هم آوردن امکاناتی برای مشارکت حاشیه در زندگی شهری است.
- ساماندهی حاشیه‌ها به ارتقای سلامت شهری در همه شهرهای ایران به ویژه کلان‌شهرها کمک شایانی خواهد کرد.

جمع بندی و سخن پایانی

گسترش شهرنشینی در ایران بیش از سرعت رشد اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های شهری و خدمات مورد نیاز شهروندان مانند مسکن، بهداشت، آموزش و اشتغال بوده و طبیعی است که پیامدهای بسیاری از جمله امکان گسترش مناطق حاشیه یا به تعبیر دیگر اسکان از طریق ساخت و سازهای غیرمجاز و بافت‌های شهری بسیار نامنظم و آشفته و پدیده‌هایی مانند زورآباد کرج حصار همدان، سیدی و قلعه ساختمان مشهد، جعفرآباد کرمانشاه، شیلنگ آباد اهواز شکل می‌گیرد. در نتیجه به بروز و ظهور مشکلاتی مانند بی‌مسکنی و بدمسکنی، گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، مشکلات ترافیکی و آمد و شد،

معضل حاشیه نشینی و رشد زاغه ها، مسئله دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، گسترش آسیب‌های روانی و شخصیتی منجر می‌شود.

مناطق حاشیه که دارای مساکن با تراکم بسیار بالا، با مصالح غیراستاندارد و بی دوام، شریان های تنگ و باریک، حداقل خدمات شهری، امکانات و فضاهای مورد نیاز ساکنان مهاجر (عموماً روستا - شهری) محیط آلوده و غیربهداشتی با مسائل بسیار متنوع و در عین حال غیررسمی هستند، بسترهای آماده ای برای ارتکاب انواع جرایم و آسیب‌ها محسوب می‌شوند (غلامی و کشاورز، ۱۴۰۱).

حال اگر دقت داشته باشیم که بخش عمده‌ای از ساکنان محله فقیرنشین و حاشیه‌نشینان شهری را مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند، تکلیف این نوع موضوع - حل معضل حاشیه نشینی و پیامدهای آن - چگونه روشن می‌شود، مشکلی که حداقل در چهار دهه اخیر در کشور هرگز نه تنها حل نشده است، بلکه بهبودی هم نشان نمی‌دهد. طبیعی است مناطق و محلاتی با این اوصاف و جامعه با قابلیت توقع بالا نمی‌تواند نمایانگرها رضایت بالایی را نشان دهد.

سه آرزوی پاسخگویان این تحقیق همه در یک جهت هستند که عبارتند از داشتن خانه و شغل و سلامتی و به تعبیر مازلوبی جزو نیازهای اساسی به شمار می‌روند. مهمترین دلیل نارضایتی در درجه اول وضعیت بد کالبدی محله است (که شهروندان روزمره با آن درگیر هستند سپس کمبود امکانات، بیکاری و مشکلات دیگر که بیشتر فهرست آنها را مرور کردیم.

این بررسی و داده های آن نشان می‌دهد که در مجموع میزان رضایت در این مناطق در حد مطلوبی نیست. هرچند میزان رضایت از سازمانها و نهادهای درگیر و مسئول به تناسب توان سلب امتیاز مانند شهرداری (به دلیل درگیری مستقیم با زندگی روزمره و ممانعت از ساخت و سازها در این نواحی) پایین است و برعکس میزان رضایت از آموزش و پرورش که فقط به ارائه خدمت هرچند کمتر از انتظار یا استاندارد می‌پردازد، بیشتر است. نسل‌های جوان‌تر این مناطق میزان رضایت شان در مقایسه با نسل اول و مردان در مقایسه با زنان کمتر است.

بخش مهمی از گسترش شهرنشینی در ایران معلول مهاجرت خیل عظیمی از روستاییان به نقاط شهری است، هرچند عوامل دیگر همانند رشد طبیعی جمعیت شهرها و تغییر تعاریف مربوط به شهر و گسترش حوزه‌های نفوذ شهری و ادغام روستاهای همجوار در این روند دخیل هستند. طبق نظرسنجی محقق از شهرداران شهرهای مهم ایران در مورد کنترل مهاجرت از روستاییان به شهر، اولویت اول را اختصاص امکانات بیشتر به نقاط روستایی، سپس ایجاد و گسترش فرصت های شغلی و توجه به معیشت در جامعه روستایی، ایجاد و گسترش شهرهای جدید دانسته اند که همه این پیشنهادها در عبارت توسعه روستایی خلاصه می‌شود. زیرا توسعه شهری بدون توجه اساسی به روستا، چیزی غیر از آنچه اتفاق افتاده است نخواهد شد. البته توسعه روستایی هم فقط دسترسی به آب و برق نیست (که اینها هم جزئی از آن تلقی می‌شود) بلکه فقط زمانی مهاجرت از روستا به شهر کاهش می‌یابد که سطح و کیفیت زندگی دست‌کم در شهر و روستا به هم نزدیک شود و نه الزاما برابر!

در مجموع با توجه به یافته های بررسی می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهاجرت یکی از دلایل اصلی گسترش شهرنشینی سریع در ایران بوده است و پیامدهای آن ظهور شهرهای بزرگ و حاشیه نشینی بافت نابسامان و مسکن ناهنجار است که ساکنان آن اغلب مهاجران روستایی یا اقشار کم درآمد شهری می‌باشند. همبستگی بالایی بین مهاجرت و توسعه مهاجرت و شهرنشینی (۹۹ درصد) وجود دارد. البته این مناطق بخش عمده‌ای از جمعیت شهری کشور و نیز حتی اشتغال را بر عهده دارند. حاشیه نشینی فضایی - کالبدی، مولود حاشیه‌نشینی اقتصادی - اجتماعی آن بخشی از جمعیت است که مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی دارند، از خدمات ارائه شده در این محلات راضی نیستند و با توجه به گسترش فقر و بیکاری بالا در معرض آسیب‌های اجتماعی اند. در نهایت فقر فرهنگی و اقتصادی و حاشیه‌نشینی اجتماعی و کالبدی آنها از یک سو و مشاهده و مقایسه با زندگی شهرنشینانی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی آنان از مدیریت شهری می‌شود. رشد حاشیه نشینی معلول عوامل بسیاری است از جمله مهمترین آنها، مهاجرت روستاییان به نقاط شهری در کشورهای مختلف به ویژه در جوامع در حال توسعه و در ایران است. در نتیجه اجرای برنامه های توسعه، نیروی مازاد فراوانی در جامعه روستایی پدیدار شد و این جمعیت مازاد به دنبال فرصتی برای کار و سراب زندگی خوب راهی مناطق شهری شدند. ولی چون شهرها آمادگی جذب میلیون‌ها میهمان و مهاجر را نداشت در نتیجه این مناطق در کشورهای در حال توسعه به آشفته بازار اجتماعی از

اجتماعی از مشاغل کاذب، ناهنجاری‌های اجتماعی، شکاف طبقاتی و غیره تبدیل شده است. به دلیل گرایش افراطی به شهرنشینی در ایران برخورداری از امکانات و فرصت‌های بیشتر و بهتر برای زندگی است. در حال حاضر بیش از ۱۰ میلیون نفر از سکنه شهری کشور که اغلب مهاجران روستایی هستند، در حاشیه‌ها و پایین شهرها به سر می‌برند. به جای چشم پوشی باید آن را به رسمیت شناخت و مدیریت کرد.

سخن پایانی این که مدیریت شهری و نه فقط شهرداری‌ها بایستی اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی اجتماعی، کالبدی و... در شهرها را جدی بگیرند و ساماندهی آن را قبل از تبدیل به مناطق مسئله‌دار و مسئله خیز وجه همت خود کنند.

نتیجه گیری

با توجه به مطالعات صورت گرفته در ایران و جهان، حاشیه‌ها ویژگی‌های مشترکی دارند: حاشیه‌ها مناطق مسکونی هستند که دارای مسکن غیراستاندارد، کمبود یا نبود خدمات شهری، جمعیت متراکم و همچنین فقر بهداشت و امنیت و نابسامانی‌های اجتماعی هستند (Harris, 2010). در طی سالهای اخیر سازمان‌های بین‌المللی متولی مسائل شهری و اسکان بشر توجه ویژه‌ای به مسائل حاشیه و حاشیه‌نشینی کرده‌اند. برنامه و فعالیت‌هایی مانند ایجاد پایگاه داده درباره سکونتگاه‌های شهری، برنامه پایش جهانی شهری، کنفرانس اسکان بشر در استانبول ترکیه، نشست چالش‌های حاشیه‌نشینی در نایروبی کنیا، تدوین اهداف توسعه هزاره و تاکید بر تامین سرپناه مناسب برای حاشیه‌نشینیان از جمله نمونه‌های این عطف توجه جهانی است. همزمان در ایران نیز برای نخستین بار موضوع حاشیه‌ها به مثابه یک مسئله وارد برنامه توسعه شد و در سیاست‌های کلان برنامه پنجم مشخصاً به ساماندهی این مسئله شهری اشاره شده است. از آنجا که حاشیه‌ها بخش مهمی از جمعیت و حتی اشتغال ساکنان رسمی یا غیررسمی شهرها را در خود جای می‌دهند و در نهایت بخشی از هر شهر خواهند شد (زیرا در بلندمدت مدیریت‌های شهری همه حاشیه‌ها را با همه مسائل آنها را به رسمیت می‌شناسد و تجربه نیز چنین شده است)، می‌بایست برنامه‌های مربوط به نوسازی و ارتقاء کاربردی با درگیری عملی مردم و به دور از روش‌های توأم با اجبار و زور برای تخریب یا بهسازی همراه باشد؛ چرا که گاهی برنامه‌های نوسازی محلات با نقض حقوق اساسی شهروندان همراه بوده است (Moitra, 2015).

بر اساس یافته‌های این بررسی بیشتر حاشیه‌نشینیان مهاجران روستایی هستند که بیشتر از روستاها و شهرهای کوچک داخل استان و سپس در مرتبه بعدی از روستاها و شهرهای استان‌های همجوار کوچ کرده‌اند. شاخص‌های اقتصادی خانوارهای ساکن در حاشیه‌ها بسیار ناپایدار و متزلزل است و بی‌ثباتی شغلی آسایش خاطر این مردمان را سلب می‌کند. تکثر اجتماعی و فرهنگی به دلیل تازه وارد و مهاجر بودن سکنه زیاد است و همین امر گمنامی و شوک مهاجرتی را افزون تر می‌کند. در یک جمع‌بندی سیاست‌های نظام مدیریتی شهری کشور در برخورد با این پدیده را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

۱. در شهرهای بزرگ و کلان شهرها حاشیه‌نشینی به مثابه بحران شهری تلقی می‌شود و تاکتیک ممانعت و سیاست درهای بسته توصیه می‌شود

۲. در شهرهای متوسط حاشیه‌نشینی به منزله مسئله اجتماعی دیده می‌شود

۳. در نهایت در شهرهای کوچک سیاست چشم پوشی و عدم تلقی جدی از مسئله رایج است. اما به رسمیت شناختن گام نخست، سیاست ساماندهی و ارتقاء کالبدی، اجتماعی و اقتصادی این محلات خواهد بود (ناظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

همانطور که یافته مطالعات موردی مورد اشاره این مقاله نشان داد، حاشیه‌ها همچون بسیاری دیگر مملو از مسائل اجتماعی هستند و در کنار تلاش‌های ساماندهی کالبدی بایستی بر شناخت مشکلات هر منطقه تمرکز ویژه‌ای کرد. مسائل اجتماعی نظیر وندالیسم، سرقت، فحشا، جرایم در محلات عمده حاشیه شهرها محسوس است. حاشیه‌نشینی پدیده‌ای واسط و اگر چه خود معلول عوامل چندی است، ولی پس از شکل‌گیری بر بروز آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی تاثیرگذار است.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که حاشیه‌نشینیان به عنوان درصد مهمی از جمعیت شهری ایران با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عدیده‌ای روبرو هستند که سلامت خود و دیگر شهروندان را با خطر جدی مواجه کرده‌اند در ذیل به برخی از آنها پرداخته شده است:

- محلات حاشیه نشین از نظر بهداشتی (بهداشت محیط و بهداشت ساکنان) با مشکل جدی مواجه هستند و انواع بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های عفونی و واگیردار بسیار زیاد است. بیماری‌های واگیردار مانند بیماری‌های پوستی، روده‌ای و گوارشی از شایع‌ترین بیماری‌ها در محدوده هاست.
- مناطق حاشیه از نظر بافت شهری و نوع معماری و مسکن از دیگر نقاط شهری مجزا هستند. واحدهای مسکونی کوچک و تعداد افراد (سرانه مسکن) ساکن در هر واحد مسکونی زیاد هستند، مسکن نوعاً کم دوام یا بی دوام و شکل هندسی محلات و معابر دارای شکل هماهنگ و مناسبی نیستند و مجموعه این اوضاع کار بهسازی و بهبود ساختار کالبدی این مناطق را با مشکل مواجه می‌کند.
- بالا بودن میزان آسیب‌های اجتماعی از قبیل فحشا، دزدی، اعتیاد، قمار، فروش مواد مخدر، فروش و مصرف مشروبات الکلی، دعوا و درگیری و... از مشخصات بارز این محلات است.
- مناطق حاشیه احساس طردشدگی از سوی ما در شهر یا مدیریت شهری که اقمار آن محسوب می‌شود را دارند و این خود بر کیفیت سلامت روانی ساکنان اثری مخرب دارد.
- در محلات حاشیه اقتصاد غیررسمی و مشاغل غیررسمی و فاقد مجوز بسیاری یافت می‌شوند که برای دسترسی به کارگر ارزان و فرار از مالیات، هزینه تهیه مکان در محدوده اصلی شهر و احیاناً فعالیت‌های غیرقانونی یا پوششی به این نقاط روی می‌آورند.
- میزان بالای وندالیسم در این نقاط نیز ویژگی دیگری است که سلامت آن را تهدید می‌کند.
- بروز وضعیت ناسالم محیطی و بهداشتی به دلیل فقدان دومین زیر آب آشامیدنی، فاضلاب، بهداشتی، پول برق و غیره بدیهی است وضعیت دور از بهداشت انسان در مناطق حاشیه نشین بر سلامت مردم اثر زیادی می‌گذارد مناطق حاشیه نشین به دلیل ازدحام جمعیت، شلوغی و سر و صدا و آلودگی‌های دیگر سبب تحمیل تاثیرات ناگوار می‌شود و هم برای بیماران مضر است و نیز بر سلامتی جمعی دیگر ساکنان اثر منفی دارد.
- به دلیل تکرر خرده فرهنگ‌ها و گاهی تعارض آنها و نیز پی‌آمدهای نشأت گرفته از مهاجر بودن محلات جدید و ضعف کنترل‌های رسمی و غیررسمی افراد منطقه حاشیه نشین مستعد پذیرفتن فرهنگ گروه‌های بزهکار و خلاف جامعه هستند.

منابع و مراجع

- [۱] آریافرو، شهره، ۱۴۰۱، حاشیه‌نشینی و توسعه سیاسی - اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سرو اندیشه
- [۲] افشاری، عبدالرحیم، ۱۳۹۸، زندگی حاشیه‌نشینی، علل، پیامدها، راهکارهای آن، چاپ اول، اصفهان، انتشارات کاشف علم
- [۳] احمدی، احمد، ۱۳۹۷، حاشیه‌نشینی و بزهکاری، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی - حقوقی سینا، انتشارات حقوقی
- [۴] پیران، پرویز، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸، شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۲ الی ۲۴.
- [۵] پیران، پرویز، ۱۳۷۳، آلودگی‌های نظری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۸۷ - ۸۸.
- [۶] پیران، پرویز، ۱۳۷۴، آلودگی‌های نظری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۹۶ - ۹۱.
- [۷] پیران، پرویز، ۱۳۸۰، تحلیل جامعه‌شناسی از مسکن شهری در ایران، اسکان غیررسمی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران شماره ۶
- [۸] پیران، پرویز، ۱۳۸۰، اجتماعات آلودگی، پدیده‌های فراتر از حاشیه و حاشیه‌نشینی، ماهنامه شهرداری‌ها، ش ۳۲
- [۹] پیران، پرویز، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، جنبش‌های اجتماعی شهری با نگاهی به شرایط ایران، ماهنامه آفتاب، شماره‌های ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲ و ۱۵
- [۱۰] ترک، رضا، ۱۳۹۷، حاشیه‌نشینی، چاپ دوم، خرم‌آباد، انتشارات اردی‌بهشت جانان
- [۱۱] حاتمی‌نژاد، سیدحسین، سلطانی‌شاهپور، مرضیه، مولائی، حسین، ۱۴۰۱، بد مسکنی در تهران، چاپ اول، تهران، انتشارات ویان
- [۱۲] ساعدی دویسه، سعدی، ۱۴۰۰، حاشیه‌نشینی چالش جدی در مقابل توسعه پایدار، چاپ اول، تهران، انتشارات گروه آموزشی مدرس: سنجش و دانش
- [۱۳] صالحی امیری، سیدرضا، خدائی، زهرا، ۱۳۹۰، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی: چالش‌ها و پیامدها، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس
- [۱۴] غلامی، یونس، کشاورز، حسین، ۱۴۰۱، مهاجرت و دگرگونی اقتصادی - سیاسی: ریشه‌ها و پیامدهای مهاجرت روستائیان به شهر، چاپ اول، تهران، انتشارات اساتید دانشگاه
- [۱۵] کاکویی دینکی، عیسی، ۱۴۰۰، حاشیه‌نشینی و جرم، چاپ اول، تهران، انتشارات به‌اندیش
- [۱۶] لوئیس، اسکار، ۱۳۶۵، فرهنگ فقر و شناخت آن، ترجمه رجبعلی حاسبی، چاپ اصل، تبریز، انتشارات نوبل
- [۱۷] ناظمی، ایوب، حسوند، پیمان، فولادوند، احسان، ۱۴۰۰، بحران شهری (چالش پیش روی مدیریت شهری)، چاپ اول، تهران، انتشارات نارون دانش
- [۱۸] نقدی، اسداله، ۱۳۸۶، حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی (جهان چهارم)، چاپ اول، همدان، نشر فن آوران
- [۱۹] نقدی، اسداله، صادقی، رسول، حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری با تاکید بر شهر همدان، فصلنامه رفاه اجتماعی سال پنجم شماره ۲۰، ۱۳۸۵، صفحه ۲۱۳ - ۲۳۳
- [۲۰] هاشمی، عبدالرسول، ۱۴۰۱، فقر شهری: مفاهیم، نظریه‌ها و رویکردها، چاپ اول، تهران، انتشارات نارون دانش
- [21] Chowdhury, Farhat. Jahan and A. T. M. Nuri, Amin (2011) "Environmental assessment in slum, improvement programs: Some evidence fram a stady on infrastructure projects in two Dhaka slums" "Environmental Impact Assessment Review Volume 26, Issue 6, Augu
- [22] Gulyani, Sumila and Debabrata, Talukdar (2011) Slum Real Estate: The Low _ Quality High _ Price Puzzle in Nairobi s Slum Rental Marker and its Implications for Theory and Practice World Development Volume 36, Issue 10, October 2008, Pages 1916 _ 1937
- [23] Harris. Richard (2010) SIUMS. International Encyclopedia of Human Geography Pages 157 _ 162
- [24] Javier Martines, Gora Mboup, Richard Sliuzas, (2008) Alfred Stein Trwnds in urban and slum indicators across developing world cities, 1990 _ 2003, Habitat International 32, 86 _ 108.
- [25] Moitra, M. k. (2015) Enviromental Improvement in Great Britain : Vol. 26, No. 3, pp. 253 _ 257

- [26] Un, Habitat (2009) The Challenge Of Slums. Global Report on Human Settlements, United Nations Human Settlements Programme, Earthscan Publications Ltd London and Starling, VA
- [27] UNDP (2009) Annual Report, United Nations Human Settlements Programme.